

فرهنگستان
بیگانه

● شماره مسلسل: ۴۳۴۷

● پهنی: ۲۵ سانتی‌متر

● جلد: ۱۴۴۵

● ۱۶ نوامبر ۲۰۲۳

● شماره: ۴۰۰۹

۱۶ Pages | 4009 p.

صرفه‌جویی ۱۰ همتی در قدم اول ردگیری آرد نانوائی‌ها

گزارش «فرهیختگان» از یک‌سالگی طرح هوشمندسازی یارانه آرد و نان

محمدرضا باهنر در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

۴۰۰-۳۰۰ اصلوگرا در تهران مدعی ورود به لیست هستند



یورش زمینی صهیونیست‌ها به بیمارستان شفا در غزه، هم یک شکست تمام‌عیار اطلاعاتی برای اسرائیل بود هم یک بی‌آبرویی بزرگ ضد انسانی

حمله هیتلرها به بیمارستان

مشاهدات میدانی خبرنگار «فرهیختگان» را بخوانید

در متروی تئا تر شهر چه خبر است؟

۷

گزارش خبرنگار «فرهیختگان» از اردوگاه برج البراجنه بیروت

وطن کجاست؟ ۲۳۱ کیلومتر آن سوتر

۱۲،۱۳

دکتر طهرانچی در اختتامیه دومین رویداد ملی مشق امید مطرح کرد

تبدیل نظام جدید دانشگاه آزاد از گلاس محوری به حل مساله

۳

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره بین‌المللی بزرگداشت علامه طباطبایی:

علامه طباطبایی فیلسوف‌سازی که فلسفه را زنده کرد

متن بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری کنگره بین‌المللی علامه طباطبایی که در تاریخ چهارشنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۲ برگزار شده بود، روز گذشته در محل برگزاری همایش در قم منتشر شد. رهبر انقلاب در این دیدار، مرحوم علامه را پدیده‌ای کم‌نظیر در حوزه‌های علمیه در قرن‌های اخیر خواندند و گفتند: «یکی از کارهای مهم آیت‌الله سیدمحمدحسین طباطبایی در بچوجه تهاجم اندیشه‌های وارداتی و بیگانه، جهاد فکری و تشکیل یک پایگاه فکری مستحکم و با آرایش تهاجمی بود، کاری که امروز به آن نیاز داریم.» بخش‌هایی از بیانات ایشان را در ادامه می‌خوانید.

■ ■ ■

خیلی خوش آمدید برادران و خواهران عزیز. من حقیقتاً و عمیقاً متشکرم از شما به خاطر اینکه این کار بزرگ را انجام دادید. یکی از بهترین کارهایی که باید این روزها انجام می‌گرفت و به ذهن شماها رسید، خداوند به شما الهام کرد و همت و انجام دادید، همین است؛ بزرگداشت این مرد بزرگ، این شخصیت برجسته تاریخی روحانیت اسلام.

مرحوم علامه طباطبایی از پدیده‌های کم‌نظیر حوزه‌های علمیه‌ما در طول قرن‌ها است. ایشان در همین علومی که حالا ما می‌دانیم و اطلاع داریم، عمق زیادی دارند. اولاً در اصول صاحب‌مبنا است، حالا من در قفه از ایشان آثری ندیدم، اما ایشان در اصول کاملاً صاحب‌مبنا است؛ یعنی حاشیه‌کفایه ایشان [این را] نشان می‌دهد. در فلسفه یک فیلسوف نوآور است؛ ایشان دستگاه فلسفی جدیدی را ارائه می‌کند که مظهرش همان اصول فلسفه و روش رئالیسم است، و بعد هم این دو کتابی که اخیراً ایشان نوشتند و منتشر کردند؛ بدایه و نهایه در تفسیر، به نظر من یک مفسر شگفتی‌ساز است؛ یعنی کسی تفسیر المیزان را نگاه کند، [می‌فهمد که] تفسیر المیزان به معنای واقعی کلمه یک تفسیر شگفت‌آور است، از لحاظ کثرت و تنوع و عمق مطالب که حالا من بعداً یک اشاره‌ای به این خواهم کرد. این هم یک جنبه که مساله عمق علمی و فکری ایشان است. یک جنبه دیگر علمی این بزرگوار، مساله شاگردپروری است. این شاگردپروری مرحوم طباطبایی چیز عجیبی است. این یکی از هنرهای هر عالمی است؛ در بین علما داریم کسانی که شاگردپروند و شاگردهای زیادی دارند؛ مرحوم آقای طباطبایی از این قبیل آدم‌ها است. در بین این فلاسفه دوره اخیر فلسفه در ایران که مرکز فلسفه کشور هم درواقع تهران بوده، از دوره مرحوم ملاعبداللّه نژندی و پسر ایشان، آقای حکیم، بعد مرحوم میرزای جلوه، میرزااسدالله قمش‌ای، اینهایی که برجستگان حکمت و عرفاند که عمدتاً در تهران متمرکز بودند و بخشی هم در جاهای دیگر، مثل مرحوم حاجی سبزواری در سبزواری، یکی دو نفر در قم، یکی دو نفر در اصفهان، یکی دو نفر در مشهد، که اینها برجستگان فلسفه‌اند. هیچ‌کدام از اینها به قدر مرحوم آقای طباطبایی شاگرد برجسته معروف فیلسوف ندارند. مثل شهید مطهری، مثل شهید بهشتی، مثل مرحوم آقای مصباح و دیگران، و مثل بعضی از بزرگانی که امروز هستند. تربیت امثال اینها را به تعدادی که از درس مرحوم آقای طباطبایی استفاده کردند، بنده هیچ‌سراغ‌ندارم در هیچ‌کس دیگری؛ مساله شاگردپروری. و فلاسفه بعدی زمان ما که در تهران کسانی بودند [مثل] مرحوم امیرزا احمد آشتیانی، قبل از ایشان مرحوم امیرزاهمدی آشتیانی، با مرحوم آقای آملی (رضوان‌الله‌علیهم)؛ خب اینها فیلسوف بودند، منتها تربیت شاگرد از اینها به قدر آقای طباطبایی معمول نیست؛ ایشان زنده کرد فلسفه را و انصافاً

فیلسوف‌سازی کرد. حالا این نکته هم جالب است که شاگردان ایشان ـ یعنی بسیاری از شاگردان ایشان ـ غالباً جزء نقش‌آفرینان در انقلاب اسلامی‌اند. در این مجلس خبرگانی که قانون اساسی را نوشت، تعداد زیادی از آن افراد شاگردهای مرحوم آقای طباطبایی هستند؛ چه در مجلس خبرگان، چه قبل از مجلس خبرگان در آن جمعی که قانون اساسی نوشته می‌شد که مرحوم آقای مطهری هم جزء آنها بود، اینها شاگردهای مرحوم آقای طباطبایی هستند. و تعدادی از شهدای بنام انقلاب اسلامی از شاگردهای آقای طباطبایی‌اند؛ شهید مطهری شاگرد ایشان است، شهید بهشتی شاگرد ایشان است، شهید قدوسی شاگرد ایشان است، شهید آیتبخ علی حیدری‌نهانندی شاگرد ایشان است؛ از این قبیل شهدای برجسته شاگردهای آقای طباطبایی (رضوان‌الله‌علیه) هستند، بعضی هم بحمدالله در قید حیاتند که منشأ افادات زیادی هستند.

و خصوصیت از برجستگی‌های مرحوم آقای طباطبایی بنده را خیلی متوجه خودش می‌کنند و جذب می‌کند؛ یک خصوصیت، جهاد فکری کم‌نظیر آقای طباطبایی در بچوجه تهاجم اندیشه‌های وارداتی و بیگانه است. مرحوم آقای طباطبایی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) توانست یک پایگاه فکری مستحکم با آرایش تهاجمی به وجود بیاورد؛ یعنی آن کسانی که با افکار ایشان آشنا می‌شدند، موضع‌شان در مقابل مارکسیسم و در مقابل افکار گوناگون موضع تدافعی نبود، موضع تهاجمی بود که یک نمونه‌اش همین کتاب‌های آقای مطهری (رضوان‌الله‌علیه) است که مشاهده می‌کنید.

خصوصیت دوم ایشان که آن هم به نظر من خیلی خصوصیت برجسته و مهمی است، این است که ایشان در عرصه معرفت‌توحیدی و مفاهیم عرفی‌ای که به آنها در فکر رسیده بود، صرفاً به زایش فکری بسنده نکرد؛ در نفس شریف خودش و قلب شریف خودش به آن حقایق و معارف متحقق شد، عمل کرد به آنچه می‌دانست. ایشان شدت متواضع بود که گاهی اوقات تواضع ایشان مایه تعجب بود. بنده یک خاطراتی را به آقایان عرض بکنم، مرحوم علامه سمنانی (رضوان‌الله‌علیه) یک مایه معمربودی ساکن سمنان. مرد موجه معروفی بود؛ ایشان آمد قم، علما می‌رفتند دیدن ایشان و رفت وآمد در منزل ایشان زیاد بود. یک روز من در حجره نشسته بودم، یکی از دوستان ما که ارادتمند به آقای طباطبایی بود و عاشق ایشان بود، با هیجان وارد حجره شد و گفت «به حسن خلق و وفاکس به یار ما نرسد!» گفتم قضیه چیست؟ گفت منزل علامه سمنانی بودیم، آقای خمینی هم بود، آقای طباطبایی هم بود، بعضی دیگر از آقایان هم بودند؛ آقای علامه سمنانی رو کرد به آقای خمینی گفت که آقا این تفسیر المیزان شما را مشاهده کردم، خیلی خوب بود، خیلی عالی بود، واقعاً لذت بردیم و شروع کرد تعریف از تفسیر المیزان، به خیالی که ایشان آقای طباطبایی است. آقای خمینی هم آدمی نبود که در این قضایا دستپاچه بشود، ساکت نشسته بود و حرفی نمی‌زد. آقای طباطبایی این طرف نشسته بود، رو کرد به آقای علامه سمنانی، گفت آقا! طباطبایی بنده هستم، ایشان استاد من آقای خمینی است. گفت «به حسن خلق و وفاکس به یار ما نرسد؛ یعنی به این خصوص تحت تأثیر قرار گرفته بود.

به نظر من این دو خصوصیتی‌را که عرض کردم، یکی مساله پرکردن خلأ یکی متحقق شدن به معارفی که انسان بلد است؛ و اَفَیْدَةُ الْعَارِفِینَ مِنْکَ فَاِزَعَةُ؛ دانستن عرفان غیر از اَفَیْدَةُ الْعَارِفِینَ مِنْکَ فَاِزَعَةُ است؛ اینها دو مقوله است باید دنبال کنیم، همه‌مایلید این دو خصوصیت را دنبال کنیم؛ هر کسی در این راه حرکت می‌کند بایستی دنبال‌کند. والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

علامه طباطبایی علمدار جهاد تبیین قرآنی

سیدمحمدرضا فقیه‌ایمانی پژوهشگر اندیشه

۲۴ آبان ماه، یادآور غروب ستاره‌ای از سلاله طهارت و سیادت و بزرگی از تبار حکمت و معرفت است. عالم‌یانی، دانشمند عظیم‌الشان و فیلسوف

و مفسر کبیر قرآن، مرحوم علامه طباطبایی. همو که رهبر معظم انقلاب در رأی او فرمود: «او از کسانی بود که تنها، مکتب جامعی چون اسلام می‌تواند امثال او را در دامان بربرکت خویش پرورش دهد.» علامه طباطبایی به معنای واقعی کلمه روشنفکر بزرگ عصر خویش بود، اما روشنفکری متمه‌ده که از هیمنه پوشالین مکاتب فکری غرب و شرق نه‌راسید و باتاسی به آیه کریمه: «قُلْ اِنَّمَا اَعْظَمُکُمْ بِوِجْدَةِ اَنْ تَقُوْا لِلّٰهِ مِثْنٰی وَ فِرَادٰی...» (سبأ، ۲۶)، به میدان نبرد باهری‌های فکر و اندیشه شتافت و با سلاح قلم، علیه‌آنها انقلابی به پا ساخت. باور عمیق مرحوم علامه طباطبایی به عنوان یک مصلح اجتماعی این بود که اسلام از بالاترین ظرفیت برای اداره شئون مختلف یک جامعه دینی برخوردار است و این ظرفیت باید از طریق تاسی علمی و عملی به قرآن کریم، شکوفا شود. به تعبیر مقام‌معظم‌رهبری: «چهره معنوی او، سیمای برصالت مردی بود که ایمانی استوار و عرفانی راستین را با دانشی گسترده و عمیق توأم ساخته و با آمیزه شگرف وجود خویش ثابت کرده بود که اسلام می‌تواند سوز دل‌سوخندگان شیفته را با عقل راسخ فرزادگان فرهیخته یکجاگرد آورد، او، تلاش و جهاد بی‌انتها و خاموش‌نشندی خود را هم به این معجون الهی درآمیخته بود. در یکی از حساس‌ترین دوران‌های حیات اسلام و تشیع، جنان‌ه به دفاع از حریم معنویت اسلامی و حکمت و معرفت الهی برخاسته و مفاهیم زیبای اجتماعی اسلام را از آیات کلام الهی استخراج کرده و به عرضه کامل و جامع اسلام پرداخته بود. علامه طباطبایی با روش تفسیر قرآن به قرآن، ثابت نمود که جامعه کی حقیقت عینی و مستقل، و رای حقیقت افراد دارد. این حقیقت همچون روح جمعی واحدی است که حاکم بر سایر اعضای جامعه است و دارای هویت مستقل بوده و از او آثار جدید ظاهر می‌شود. پذیرش این نگاه و تسری آن در ساحت‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... می‌تواند تحول بزرگی در نظر به بردازی در ساحت حکمرانی دینی ایجاد کند. برای نمونه مرحوم علامه با همین نگاه در حوزه اقتصاد می‌اندیشد و با مطرح ساختن اصل مهم: «اختصاص همه اموال به کل جامعه»، به عنوان یک اصل زیربنایی که احکام و قوانین مهم اسلامی بر آن متکی است، بر این نکته تأکید می‌ورزد که همین شخصیت واحد مستقل، مالک تمامی اموال روی زمین است. احوال اینکه این شخصیت واحد از چه نوع حقیقتی برخوردار است، همان نکته کلیدی است که نظریه مرحوم علامه را از نظریات سوسیالیستی متمایز می‌سازد. این حقیقت با محوریت اتحاد ابرواح شکل می‌گیرد و با توسعه یافتن ذات انسان‌ها و تحقق «من شامل جمع» در آنها، افراد جامعه از صورت مفید خود، به صورت اطلاق انسانیت که همان وجود مقدس امام است، حرکت کرده و در نتیجه حقیقت واحدی به نام جامعه ایمانی که شان وجودی امام است، تشکیل می‌شود. به این ترتیب است که فلسفه اجتماع به حقیقت نظام ولایت‌گره می‌خورد.

مرحوم علامه طباطبایی در حوزه‌سیاسی نیز اشاره به آیاتی که متضمن تکالیف اجتماعی لازم‌اقامه عبادات از سوی مردم است، بر این نکته تأکید می‌ورزد که چون افراد در پیدایش اجتماع اثر تکوینی دارند، برای اداره آن نیز حق دخالت داشته و خداوند آن اثر تکوینی را در مقام تشریع ضایع نگذاشته است. بنابراین از مجموع آیات متضمن تکالیف اجتماعی مردم چنین نتیجه می‌شود که تشکیل حکومت اسلامی به عنوان مقدمه واجب بر عموم مسلمانان لازم است. مرحوم علامه در پاسخ به این سوال که عهده‌دار اداره اجتماع کیست، اظهار می‌دارد بدون تردید در این زمان که پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) وفات نموده و امام زمان (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) نیز از دیده‌ها پنهان است، امر حکومت به دست خود مسلمین است و این وظیفه آنان است که با در نظر گرفتن روش رسول‌خدا (صلی‌الله‌علیه و آله) که روش امامت بوده، بنابراین از مجموع آیات متضمن تکالیف اجتماعی مردم چنین نتیجه می‌شود که از دیگر نظرات مبنایی مرحوم علامه طباطبایی که بای آن می‌ایستد و آن را به اثبات می‌رساند، این است که در هیچ یک از ادیان سابق به میزانی که اسلام انسان را به‌گره خوردن و ممزوج شدن با سایر هم‌عنوانش در بستر حیات اجتماعی تشویق کرده، عنایت و توجه صورت نگرفته است. این در حالی است که این دین، بالاترین افق توحیدی را نیز در برابر انسان می‌گشاید و او را تشویق به حرکت به سوی آن می‌کند. مرحوم علامه ثابت می‌کند که بالاترین مقام وحدت از معبر کثرت اجتماع می‌گذرد. پذیرش این نگاه بزرنگ اجتماعی، به‌طور قطع می‌تواند آثار شگرفی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بخصوص اخلاقی و سلوکی داشته باشد که ذکر آن در این مجال نمی‌گنجد.

با در نظر گرفتن آنچه بیان شد، در یک‌کلام می‌توان علامه طباطبایی را علمدار جهاد تبیین قرآنی و طرح‌رزم‌افزار انقلاب دانست که بخش مهمی از مبانی انقلاب اسلامی در آثار ایشان و یا متأثر از ایشان و در آثار شاگردان شان مانند شهید مطهری، شهید بهشتی، آیت‌الله‌جوادلی‌آملی و آیت‌الله مصباح‌پزندی و نیز مقام‌معظم‌رهبری تبیین شده است. از مرحوم علامه طباطبایی میراث‌گرائنهایی باقی مانده که به تعبیر مقام‌معظم‌رهبری، این میراث باید در جامعه حاضر و شاهد بماند و سرانگشت‌اشارت مرحوم علامه همچون گذشته را به درستی و با همه راهروان بیاورد و این وظیفه‌ای است که بر دوش دانش‌پژوهان و معرفت‌پروان سنگینی می‌کند.

بهنوشته

۱. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۱۷۰

۲. خسروشاهی، شیعه، ص ۳۳۹

ماجرای عجیب اخذ وکالت اجباری از کارمندان سایپا

براساس اسنادی که به دست روزنامه «فرهیختگان» رسیده، مدیران ارشد و میانی گروه سایپا در اقدام نامتعارفی از سهامداران گروه سمیکو (شرکت‌های سرمایه‌گذاری کارکنان سایپا)، که بخشی از آنان کارکنان شرکت بوده، خواسته‌اند برای تعیین نماینده‌مد نظر مدیران جهت حضور در مجمع عمومی، به اشخاص خاصی وکالت بدهند. موضوع از این قرار است که در حالی شرکت شرکت سرمایه‌گذاری کارکنان سایپا (سمیکو) با ۱۳ درصد مالکیت سهم سایپا در مجمع ۲۷ تیرماه سال جاری بنا بر رای سهامداران از سهامی خاص به عام تبدیل شده، اما اخیر می‌رسد که شرکت سایپا و شرکت‌های گروه این مجموعه در اقدامی غیرمتعارف تاکنون دویار اقدام به آوردن دفترخانه رسمی در داخل شرکت برای اخذ وکالت همراه با اجبار سهامداران کرده و پس از افضسای این تخلف و جلوگیری از حضور دفترخانه‌ها در شرکت، در روزهای گذشته با ارسال فرم‌های کاغذی به شرکت‌ها و گرو گرفتن معیشت و وضعیت شغلی کارکنان سایپا با اعمال فشار اقدام به انتصاب نماینده اجباری برای بیش از ۲۲ هزار سهامدار کرده است. از نکات قابل تامل اینکه، مدیریت سایپا در اقدام عجیبی از ۳۶۰ نفر سهامدارانی که با بیش از ۲ میلیارد سهم به تعدادی نماینده مورد نظر خود وکالت داده بودند، با تهدید معیشتی و امنیت شغلی از آنان خواسته نسبت به لغو این وکالت خود اقدام کنند.

حالا مشکل دقیقاً کجاست؟

طبق ماده ۱۲۵ قانون تجارت در کلیه مجامع عمومی حضور وکیل یا قائم مقام قانونی صاحب سهم و همچنین حضور نماینده یا نمایندگان شخصیت حقوقی به‌شرط ارائه ارائه مدارک وکالت یا نمایندگی به منزله حضور خود صاحب سهم است. تا اینجای کار ظاهر اقدامات سایپا قانونی است اما کارکنان سایپا می‌گویند از آنجایی که این اخذ وکالت با تهدید و اجبار و گرو گرفتن معیشت و امنیت شغلی آنان صورت می‌گیرد، قطعاً اقدامی غیرقانونی است. در این خصوص ماده ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی (اصلاحی ۱۳۹۹) نیز می‌گوید: «هرکس با اجبر یا تهدید یا با اکراه و تهدید دیگری را ملزم به دادن نوشته یا سند یا امضا یا مهر کند یا سند و نوشته‌ای که متعلق به او یا سپرده به او است را از وی بگیرد به حبس از ۲۵ روز تا یک سال و تا (۷۲) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

پاسخ سازمان بورس

ولی‌الله جعفری مدیر نظارت بر ناشران سازمان بورس و اوراق بهادار در پاسخ به سوال «فرهیختگان» درخصوص این موضوع گفت: «سازمان بورس از شرکت‌ها خواسته بود اسامنامه خود را اصلاح کنند، به این نحو که وکالت از اشخاص حقیقی جهت حضور در مجمع باید رسمی شود. براین اساس تا اینجا سایپا اقدام غیرقانونی نکرده است. اما اینکه سهامداران ادعا می‌کنند شرکت سایپا اخذ وکالت را با اجبار و تهدید اخذ کرده، اگر اثبات شود، سازمان بورس می‌تواند به آن ورود کند. در سمت دیگر سهامداران سمیکو به «فرهیختگان» می‌گویند اول اینکه شرکت سایپا برای خودش نه، بلکه برای شرکت سمیکو وکالت جمع می‌کند و مورد دوم اینکه، اگر سازمان بورس با اثبات اجبار و تهدید نسبت به موضوع ورود می‌کند، با حضور بازرس یا ناظر در سمیکو این موضوع قابل اثبات خواهد بود.»